

ارزیابی تأثیرات اجتماعی اجرای طرح خروج دام از جنگل مطالعه موردی: مهاجران روستای ینقاق از توابع شهرستان گالیکش در استان گلستان

محمد فاضلی - استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
محمدجواد محمدی پارسا* - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۲۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل‌ها روستاییانی هستند که از درختان جنگل برای خانه‌سازی، سوخت و تعلیف دام‌ها استفاده می‌کنند. در سال ۱۳۷۰ مراحل خروج دام از جنگل و کوچ چهار روستای واقع در جنگل از توابع شهرستان گالیکش شروع شد. طرح تجمیع ینقاق، باعث بیرون‌آمدن چهار روستای مجاور یکدیگر (تقریباً ۵۰ خانوار روستایی) از جنگل و اسکان مجدد در حاشیه روستای ینقاق و در محله‌ای شد که در عرف به آن شهرک منابع طبیعی می‌گویند. پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی از نوع تولید نظریه زمین‌های است که در چارچوب نظریه اصلی توسعه پایدار و توانمندسازی که از مهم‌ترین زیرشاخه‌های اجتماعی آن است، شکل گرفت و در آن از طرح پانل واپس‌نگر استفاده شد. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد ارزیابی تأثیر اجتماعی (اتا)، مؤلفه‌های اصلی توانمندسازی در اجتماع بررسی شد. نتایج تحقیق نشان دادند که عرضه خدمات زیربنایی مهم‌ترین عامل توانمندسازی و رضایت‌بخش نزد کوچ‌کنندگان بوده و درآمد حاصل از اشتغال ایجادشده برای خانواده‌ها نسبتاً مناسب است. پایین‌نیودن دولت به وعده‌های خود به‌ویژه در ایجاد دامداری صنعتی و تعاونی روستایی و کم‌شدن زمین‌های کشاورزی و دام‌ها و ازدست‌دادن خودکفایی نسبی جنگل‌نشینان، در کنار برنامه‌ریزی‌نکردن برای اشتغال نسل دوم کوچ‌کنندگان و آسیب‌های اجتماعی به‌وجودآمده، از مهم‌ترین دلایل ناراضی‌های موجود است. در پایان، انتزاع «ترس ناشی از تعلیق» برای توضیح مقوله‌های اصلی کشف‌شده در مصاحبه‌ها به‌دست آمد که قدرت تبیین طیف وسیعی از کنش‌های کوچ‌کنندگان، خصوصاً نسل اول آنها را دارا بود.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اسکان مجدد، تجمیع ینقاق، توسعه پایدار، خروج دام از جنگل، روش تحقیق کیفی، طرح تجمیع ینقاق.

مقدمه

حفظ و حراست از محیط‌زیست جنگلی وظیفه‌ای تردیدناپذیر و همگانی است. از طرفی حساس بودن به سرنوشت مردمانی که برای حفاظت از زیست‌بوم‌های حیاتی و ارزشمند مجبور به کوچ و اسکان مجدد هستند نیز کاملاً ضروری و مهم است. یافتن راه‌هایی که بتوان با استفاده از آنها دو مقوله گفته شده را به شکلی معقول و بهینه کنار یکدیگر قرار داد نیاز به تحقیقاتی روشمند و کارآمد دارد.

پس از تصویب قانون خروج اجباری جنگل‌نشینان از مناطق جنگلی (بند الف ماده ۶۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و ابلاغ جدیدترین دستورالعمل اجرایی آن^۱ از طرف وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور موظف شد تا سال ۱۳۸۸ کلیه دام‌ها را از مناطق جنگلی خارج کند. اجرای این طرح تا کنون نیز به‌تمام نرسیده و مشکلات فراوانی در راه اجرا و اتمام آن بر جای مانده است. همکاری نکردن و همراه نبودن جنگل‌نشینان، مشکلات اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی کوچ‌کنندگان قبلی در محل‌های سکونت فعلی، کمبود زمین در اراضی قابل سکونت، کمبود اعتبارات اختصاص یافته، ناهماهنگی‌های دستگاه‌های اجرایی، شفاف نبودن قوانین و دستورالعمل‌ها، تقابل نگاه اقتصادی (استفاده از چوب، دامداری و ایجاد اشتغال) با نگاه زیست‌محیطی در مورد استفاده از جنگل‌ها بین سیاست‌گذاران و مواردی از این دست، لزوم بررسی دقیق این فرایند را از دیدگاه جامعه‌شناسی و ارائه راهکاری برای اجرای بهتر و موفق‌تر این طرح نمایان می‌سازد.

طرح تجمیع ینقاق، بزرگ‌ترین طرح خروج جنگل‌نشینان از جنگل در استان گلستان است. در این طرح، چهار روستا از مناطق همجوار جنگلی در یک مکان اسکان داده شدند. مراحل اسکان از سال ۱۳۷۰ شروع شد و در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید و تقریباً ۵۰ خانوار (با جمعیتی

۱. بازنگری اصلاحیه دستورالعمل اجرای طرح خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل‌نشینان شمال و دستورالعمل خروج دام، ساماندهی خانوار و خرید مستثنیات در منطقه توسعه جنگل (اسفند ۱۳۸۴).

حدود ۳۰۰ نفر) در محله‌ای موسوم به شهرک منابع طبیعی در دهستان ینقاق در مجاورت روستای ینقاق از توابع شهرستان گالیکش واقع در شرق استان گلستان اسکان داده شدند. اختصاص ۴۵۰ متر فضای مسکونی و ۲ هکتار زمین کشاورزی به هر خانوار (تقریباً ۳۰ درصد مساحت زمین‌های کشاورزی که قبلاً در اختیار آنها بود)، باعث به‌وجود آمدن مشکلات عدیده و نارضایتی عمده در آنها شد.

در پژوهش حاضر کوشش شده است با استفاده از اصول و چارچوب‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی^۱ (اتا) و با بهره‌گیری از روش تولید نظریه زمینه‌ای (از زیرشاخه‌های روش تحقیق کیفی) تغییرات ایجاد شده در زندگی کوچ‌کنندگان تحلیل و بررسی شوند. در پایان این نوشتار، دغدغه‌های اصلی کوچ‌کنندگان و کارشناسان، به شکل دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری مطالعه شده است.

تحقیقات پیشین

تحقیقات داخلی

ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام چند روستا در شهرستان طارم علیا پس از زلزله نشان داد که در انتقال جمعیت دو روستای تخریب‌شده بالکلور و جمال‌آباد به روستای آبر و ایجاد مجموعه ادغامی آبر، به دلیل توجه نکردن به موضوع اشتغال و محدودیت منابع آب و خاک و همچنین نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده بود، اجتماعات جابه‌جا شده به بهره‌برداری مجدد از منابع موجود در مکان‌های قبلی روی آوردند و مهاجرت‌های فصلی به سایر مکان‌ها از جمله شهرهای بزرگ همچنان ادامه یافت (افتخاری و بدری، ۱۳۸۲، ۲۵).

1. Social Impact Assessment

مطالعه منطقه فور سوادکوه پس از اجرای ساماندهی خروج دام نشان داد که عواملی نظیر واگذارنشدن زمین، نبود اشتغال، اجرائنشدن تعهدات و نداشتن احساس مالکیت به جنگل، به‌عنوان مهم‌ترین علل نارضایتی ایجادشده مطرح‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۲، ۳۱). همچنین در طرح خروج دام از جنگل در رضوانشهر، گرچه دولت در ایجاد تسهیلات رفاهی مانند مدرسه، خانه بهداشت، آب آشامیدنی و برق موفق بود ولی ناتوانی در ایجاد شغل باعث به‌وجودآمدن نارضایتی گسترده میان روستاییان شد (عظیمی و امیری لمر، ۱۳۸۷، ۱۵۷).

پژوهش‌های خارجی

اسکان اجباری کوچ‌نشینان در سومالی تا پایان سال ۱۹۸۱، به‌علت نامتناسب‌بودن درآمد و نبود فرصت‌های شغلی باعث شد که بسیاری از اسکان‌یافتگان برای یافتن کار این محل‌ها را ترک کنند و کودکان و سالخوردگان را در آنجا باقی بگذارند (افتخاری و بدری، ۱۳۸۲، ۶۰). در طرح اسکان مجدد ماهاولی^۱ در کشور سریلانکا، درآمد خانوارها ناکافی بود و استانداردهای زندگی به‌دلیل کوچ‌دادن خانوارها پیش از تکمیل زیرساخت‌های فیزیکی و بی‌توجهی به «مسائل نسل دوم» تنزل یافت و زمینه‌های ستیز میان جامعه میزبان (هندوهای تامیلی‌زبان و بودایی‌های سینگال) و جوامع میهمان به‌وجود آمد (همان).

پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص آثار اسکان مجدد در منطقه گامبلا در جنوب‌غربی اتیوپی نشان می‌دهند که پروژه‌های اسکان مجدد انجام‌شده برای حفظ محیط‌زیست غالباً بر مبنای منافع سیاسی کوتاه‌مدت تعریف شدند و چون برنامه‌ای مدون و سازمان‌یافته درخصوص آنها وجود نداشت، نه‌تنها بهبودی در وضعیت زیست‌محیطی ایجاد نکردند، بلکه درگیری‌های قومی، جنگل‌زدایی و تخریب بیشتر محیط‌زیست را نیز به‌دنبال داشتند (Woube, 2005). در کشور

1. Mahaweli

هند نیز اسکان مجدد مردم منطقه ماهاراشترا^۱ برای محاظت از پارک ملی چاندلی^۲ انجام شد. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان دادند که اگرچه میزان درآمد خانوارهای کوچ‌کرده به دو برابر قبل رسیده بود ولی به دلیل ازدست‌دادن خودکفایی نسبی خانواده‌ها ناچار بودند این درآمد را صرف خرید کالاهای اساسی مانند سوخت و غذا کنند و مهاجران به‌رغم داشتن درآمدی دو برابر قبل، از کسانی که مهاجرت نکرده بودند فقیرتر شدند (Trepp, 2010).

در بررسی آثار اقتصادی- اجتماعی طرح اسکان مجدد در دریاچه چاد در نیجریه، مجریان طرح با تأکید بیش‌ازحد بر زیرساخت‌هایی نظیر مدرسه، مرکز بهداشتی و درمانی، فروشگاه، و مراکز تفریحی از نیازهای اصلی دیگر غفلت ورزیدند؛ درحالی‌که مردم اسکان داده‌شده ترجیح می‌دادند به‌جای چنان امکاناتی، مسکن مناسب و راه مواصلاتی داشته باشند تا بتوانند مایحتاج زندگی‌شان را راحت‌تر به‌دست آورند. در آن پروژه، عملاً مشکلات به‌وجودآمده به‌همراه حاصل‌خیز نبودن زمین و معضلات ناشی از دوری از وطن، به عذاب‌آورترین تجربه کوچ‌کنندگان تبدیل شد (Oruonye, 2011). بانک جهانی قویاً توصیه می‌کند که از مهاجرت‌های اجباری پرهیز شود ولی در شرایطی که چاره‌ای جز مهاجرت نیست، حق و حقوق مردم جابه‌جاشده باید کامل و منصفانه به آنها پرداخت شود (Anderson et al., 2002).

مطالعات نظری پژوهش

توسعه پایدار

امروزه تعداد ارگان‌ها و سازمان‌هایی که رویکرد تلفیق سه مؤلفه اصلی توسعه پایدار (اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه انسانی) را درپیش گرفته‌اند، آشکارا افزایش یافته است (Eddie N.)

1. Maharashtra
2. Chandoli

Laboy-Nieves et al., 2009). کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه^۱ معروف به کمیسیون برانت لند^۲ در گزارش «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ این تعریف را از توسعه پایدار ارائه کرد: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون به‌خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای‌شان برآورده سازد. توسعه پایدار درعین‌حال، رابطه متقابل انسان‌ها و طبیعت در سراسر جهان است» (UNESCO, 1997 به نقل از آقایی، ۱۷). سایت بانک جهانی^۳ در تعریفی جامع، محل تلاقی توجه و برنامه‌ریزی را در سه حوزه اقتصاد (خدمات، نیازهای خانوار، رشد صنعتی، رشد کشاورزی، و بهره‌وری)، اجتماع (عدالت، مشارکت، توانمندسازی، ارتقای اجتماعی، و حراست از فرهنگ) و محیط‌زیست (تنوع گونه‌ای، منابع طبیعی، ظرفیت‌سازی، حفاظت از زیست‌بوم و آب‌وهوای پاک)، توسعه پایدار برمی‌شمارد.

اسکان مجدد

اسکان مجدد به معنی هر نوع جابه‌جایی یا تغییر اساسی در محل سکونت خانوارهاست که به دو شکل اختیاری و اجباری (ناخواسته) صورت می‌گیرد. جابه‌جایی هنگامی ناخواسته به‌شمار می‌آید که بدون اطلاع دقیق و موافقت افراد و خانوارهای ذی‌ربط انجام شود یا اگر هم از آن اطلاع داشته باشند، نتوانند از انجام آن جلوگیری کنند (شهسواری و اسماعیلی قلزم، ۱۳۸۸).

توانمندسازی^۴

بانک جهانی، توانمندسازی را در تعریفی عام و مرجع چنین معنا کرده است: «فرایند افزایش ظرفیت و توان افراد و گروه‌ها در مسیر تصمیم‌گیری آگاهانه و سودمند و عملی‌ساختن آن

1. World Commission on Environment and Development(WCED)
2. Brandt Land
3. <http://www.worldbank.org/depweb/english/sd.html>
4. Empowerment

تصمیم‌ها در جهت دستیابی به اهداف دلخواه» (Alsop et al., 2006). توانمندسازی اجتماعی فرایندی است که افراد جامعه از طریق آن از نیازها و خواسته‌های‌شان آگاه می‌شوند، نوعی اعتماد به نفس و خوداتکایی برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورند و براساس آن به توانایی لازم برای تحقق هدف‌های‌شان دست می‌یابند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱). ابعاد اصلی فرایند توانمندسازی اجتماعی را چنین برشمرده‌اند: مبارزه با فقر و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌های حکومت، مشارکت‌های مردمی، ظرفیت‌سازی مدیریت محلی و ارتقای موقعیت زنان، افراد بیمار، مسن و ناتوان. واضح است که چنین اهدافی محقق نخواهند شد، مگر با ایجاد امکانات و برآوردن نیازهای اصلی جامعه نظیر ایجاد و توسعه تأسیسات و خدمات پایه؛ ایجاد اشتغال پایدار با درآمد کافی و ارتقای شغلی با توجه ویژه به سیاست‌های تأمین اجتماعی افراد کم‌درآمد، بیکار و ناتوان؛ و به‌مشارکت‌طلبیدن اجتماعات و نهادهای محلی (پورمحمدی و جهان‌بین، ۱۳۸۸، ۳۹-۳۸). کارشناسان، فرایند توانمندسازی اجتماعی را به درختی تشبیه کرده‌اند که محصولاتش در پای خودش می‌افتد و باعث باروری و تقویت بیشترش خواهد شد (Saunders, 2010).

ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا)

ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که دانش لازم را برای تحلیل منظم و پیشاپیش تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی در کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماعاتی که محیط‌شان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، فراهم می‌کند (برج، ۱۳۸۹). در تعریفی دیگر: «برآورد پیامدهای اجتماعی را می‌توان فرایند تحلیل (پیش‌بینی، برآورد و بازاندیشی) و مدیریت عواقب خواسته و ناخواسته مداخلات برنامه‌ریزی‌شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) برای محیط انسانی و هرگونه تغییر اجتماعی ناشی از این مداخلات دانست، به‌نحوی که محیط انسانی و زیستی - فیزیکی پایدارتر و عادلانه‌تری پدید آید» (ونکلی و بکر، ۱۳۸۸).

روش تحقیق

طرح تحقیق حاضر از نوع تبیینی (علت‌یاب) و منطق تبیینی آن براساس طرح پانل واپس‌نگر است. اطلاعات تحقیق فقط در یک مقطع زمانی (زمان حال) جمع‌آوری شده اما در مورد دو یا چند مقطع زمانی گذشته نیز از افراد پرس‌وجو شده است.

روش‌های گردآوری اطلاعات

در روش مستقیم، پژوهش کیفی از نوع تولید نظریه^۱ زمینه‌ای^۱ انجام شد و در روش غیرمستقیم، منابع نوشتاری (کتاب، نشریه و سایت) به کار گرفته شدند.

پژوهش کیفی به روش نظریه^۱ زمینه‌ای

در این نوع پژوهش نیازی به ازپیش بیان کردن رابطه^۱ بین یک متغیر وابسته و یک متغیر مستقل نیست، زیرا هدف آن آزمون فرضیه نیست. پژوهش کیفی با استفاده از متغیرهای تفسیرپذیر درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی نظیر چرا و چگونه برمی‌آید. منظور از نظریه^۱ زمینه‌ای، نظریه‌ایست که مستقیماً از داده‌هایی که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند استخراج شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

جامعه^۱ موضوع تحقیق

جامعه^۱ در نظر گرفته شده برای این پژوهش، مسئولان اجرایی ذی‌ربط (فرمانداری، اداره^۱ منابع طبیعی و سازمان جهاد کشاورزی) و روستانشینان شهرک منابع طبیعی روستای ینقاق هستند. این شهرک، در ورودی جنوبی روستای ینقاق و در مجاورت جاده^۱ اصلی ینقاق-گالیکش در شرق استان گلستان واقع شده و توضیح نکته‌ای در مورد آن ضروری است. همان‌گونه که در

1. Grounded Theory

شکل ۱ مشخص است این محله -که شامل یک خیابان اصلی و دو چهارراه کوچک است- در واقع شهرک نیست، بلکه کوچه یا محله‌ای کوچک به ابعاد تقریبی 170×150 متر است. ولی چون نام رسمی ندارد و ساکنان محلی آن را «شهرک منابع طبیعی» یا «محله کوهساری‌ها» (به معنای کوه‌نشینان) می‌خوانند، از این نام استفاده شده است که در ادامه به اختصار «شهرک» ذکر می‌شود. اکنون در شهرک منابع طبیعی تقریباً ۴۰ خانوار کوهساری و ۱۰ خانوار مهاجر سیستانی زندگی می‌کنند.



شکل ۱. عکس هوایی از شهرک منابع طبیعی

واحد تحلیل پژوهش

واحد تحلیل پژوهش حاضر، اجتماع کوچ‌کرده یا همان ساکنان شهرک هستند.

تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری پژوهش حاضر از مفاهیم صورت گرفته است و نه از افراد. تحقیق پیش رو، حاصل تحلیل ۲۶ مصاحبه با روستانشینان (۱۲ مصاحبه در مرحله اول و ۱۴ مصاحبه در مرحله دوم) و ۹ مصاحبه با مسئولان اجرایی ذی‌ربط (فرمانداری، اداره منابع طبیعی و سازمان جهاد کشاورزی) است که مطابق توضیح، کدگذاری و مفهوم‌یابی شده‌اند.



شکل ۲. نمایی از خانه‌ها و آغل‌های واگذارشده به مهاجران

کنترل متقاطع پاسخگویان و منابع اطلاعاتی

کنترل متقاطع نوعی طرح‌ریزی برای تحقیق است که مطابق آن می‌توان راستی‌آزمایی اطلاعات جمع‌آوری شده را انجام داد. یکی از رایج‌ترین شکل‌های کنترل متقاطع که در مطالعات موردی به کار می‌رود استفاده از آگاهان یا منابع اطلاعاتی گوناگون است (روچ، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر کوشش شد با طرح پرسش از افراد مختلف (اعم از مردم و کارشناسان)، میزان مناسبی از صحت و شفافیت اطلاعاتی به دست آید. جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌شوندگان بزرگسال

به شکل فردی انجام شد، چراکه معمولاً در گفت‌وگوهای گروهی وقتی بزرگ‌ترها یا بانفوذترها نظر می‌دهند بقیه افراد حرمت نگه می‌دارند و موافقت می‌کنند یا دست‌کم مخالفتی نمی‌کنند. اما در مورد کودکان موضوع برعکس است. یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعات برای پژوهش حاضر و احتمالاً معتبرترین‌شان (از نظر نظارت بر صحت و سقم اطلاعات جمع‌آوری‌شده) کودکان شهرک بودند که با صمیمیت و صداقت تمام در بحث‌ها شرکت می‌کردند. این کودکان بین ۶ تا ۱۰ نفر (دائم در جلسه گفت‌وگو رفت‌وآمد می‌کردند و کم و زیاد می‌شدند!) و ۸ تا ۱۳ ساله بودند. جلسه گفت‌وگو در مسجد شهرک برگزار شد و تقریباً در مورد همه چیز از آنها سؤال شد (تفریح، تحصیل، کار، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، ازدواج و طلاق اهالی، وضع اقتصادی مردم و موضوعات دیگر). کودکان با فرارگرفتن در جمع همسالان‌شان دائم حرف‌های یکدیگر را تصحیح می‌کردند و مهم‌تر اینکه نفعی از جواب دروغ متصور نبودند، ازین‌رو اطلاعات آنان معتبرتر به نظر می‌رسید.

یافته‌های تحقیق

در سال ۱۳۷۰ اداره منابع طبیعی شهرستان مینودشت از طرف وزارت جهادسازندگی موظف شد اهالی چهار روستای مجاور به نام‌های عروسک، شکارگاه، چهل چشمه و نی‌شاک را که در فاصله تقریبی ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان گالیکش در جنگل زندگی می‌کردند، در اراضی تحت مالکیت منابع طبیعی اطراف روستای ینقاق در ۵ کیلومتری جنوب شهرستان گالیکش- اسکان دهد. تمامی روستاهای مذکور کمتر از ۲۰ خانوار جمعیت داشتند و میانگین تعداد افراد خانوار در آنها تقریباً ۶ نفر بود. هر خانواده به‌طور متوسط ۳۰ واحد دامی^۱ داشت و تقریباً با دراختیار داشتن ۵ هکتار زمین کشاورزی و استفاده از جنگل برای تعلیف دام و برداشت چوب برای مصارف سوختی و خانه‌سازی گذران زندگی می‌کردند. خروج جنگل‌نشینان

۱. طبق قوانین اداره منابع طبیعی، هر گوسفند یا بز یک واحد دامی و گاو و گاو میش ۵ واحد دامی محسوب می‌شود.

در سال ۱۳۷۰ آغاز شد و اتمام مراحل آن دو سال به طول انجامید.^۱ روستاییان در این طرح، ۴۵۰ متر فضای مسکونی و دو هکتار زمین کشاورزی مرغوب دریافت کردند. البته در مرحله اول، تقریباً ۲۰ درصد خانواده‌ها با ترک جنگل مخالف بودند ولی از آنجاکه حق استفاده از اراضی جنگلی برای تعلیف دام‌های‌شان را نداشتند پس از گذشت یک سال آنها هم کوچ کردند و از جنگل خارج شدند.

برشماری تأثیرات عمده کوچ

مهم‌ترین تأثیرات طرح خروج دام از جنگل بر روستانشینان مهاجر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. کمتر شدن درآمدها به دلیل کمتر شدن زمین‌های زراعی و برخی عوامل دیگر از پیامدهای بسیار مهم اجرای طرح مذکور است. بعضی از روستاییان مهاجر اعلام کردند که پس از کوچ، نصف درآمدشان را از دست دادند.

- «همه زندگی‌مان را از دست دادیم... اگر همان مال و اموال‌مان را به ما بدهند، حاضریم برگردیم به جنگل.» (از ساکنان روستا)
- «در جنگل ما همه چیز از خودمان بود و خیلی کمتر از شهر خرید می‌کردیم. اینجا همه چیزمان را باید بخریم.» (از ساکنان روستا)

۲. کم بودن زمین‌های زیرکشت و نبود فعالیت‌های کشاورزی و دامداری جانبی (پرورش کرم ابریشم، زنبورداری و مانند اینها) باعث کمتر شدن فرصت‌های شغلی برای نسل دوم مهاجران شده است. این مسئله، در بهترین حالت مهاجرت جوانان به شهرها و در بدترین حالت سرخوردگی و ناامیدی و رفتن به سمت موادمخدر را در پی داشته است.

۱. گرچه مسئولان اجرایی طرح همواره بر اختیاری بودن کوچ تأکید می‌کنند ولی وجود قوانینی چون منع ورود دام به جنگل، منع استفاده از چوب درختان جنگلی، در اختیار نبودن زیرساخت‌های خدماتی مانند: آب، برق، گاز، تلفن، راه مواصلاتی و مانند اینها چنان عرصه را بر جنگل‌نشینان تنگ می‌کند که چاره‌ای جز کوچ برای‌شان نمی‌ماند.

- «به ما گفتند علاوه بر زمین کشاورزی به هر خانوار هزار متر زمین بابت کاشت درخت توت می‌دهیم ... و برای تان تعاونی تشکیل می‌دهیم و دامداری صنعتی راه می‌اندازیم... حداقل باید ۵-۶ هکتار زمین به ما می‌دادند.» (از ساکنان روستا)
- ۳. در اثر کوچ و دسترسی نسل دومی‌ها به امکانات آموزشی، ارتباطات بیشتر با دیگر فرهنگ‌ها و برخورد مستقیم با سبک زندگی شهری و حمایت‌نشدن نسل اولی‌ها از سوی ارگان‌های دولتی و مجریان طرح (در حوزه‌های آموزش‌های خاص و مشاوره‌های فراگیر و توانمندسازی آنان برای مقابله با چالش‌های پیش‌رو)، نوعی تغییر سبک زندگی و شکاف فکری - فرهنگی بین دو نسل کوچ‌کنندگان به وجود آمد.
- «در جنگل، محبت، اتحاد و احترام‌گذاشتن به یکدیگر و حرف‌شنوی از افراد باایمان درمقایسه با الآن خیلی بیشتر بود.» (از ساکنان روستا)

از آنجاکه جوانان امروزی شهرک در زمان جنگل‌نشینی اصلاً متولد نشده یا کم‌سن‌وسال بودند، اغلب آموخته‌ها و تجربه‌ها و نوع جامعه‌پذیری آنان تفاوت بسیاری با والدین‌شان دارد. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که اگر کوچ صورت نمی‌گرفت، تغییر رفتار و سبک زندگی را نمی‌دیدیم ولی قطعاً عوامل یادشده، سرعت و عمق بیشتری به این تغییرات بخشیدند.

- «با اینکه مدت‌هاست باید باغچه‌ام را بیل بزنم اما تمام مواقع بیکاری، کنترل رسیور را دست می‌گیرم و دائم از این شبکه به آن شبکه پای ماهواره وقتم را صرف می‌کنم.» (از جوانان روستا)

کارشناسان دولتی هم در صحبت‌های‌شان بر چنین مواردی تأکید داشتند.

- «الان دیگر روستاها مثل قدیم نیستند ... در بعضی روستاها که فکرش را هم نمی‌کنیم، دیش ماهواره و انواع وسایل مدرن و جدید منزل را می‌بینیم.» (از کارشناسان اداره منابع طبیعی)
- ۴. شکل‌گیری بی‌اعتمادی سیاسی مردم به مسئولان از دیگر آثار اجرای طرح تجمیع است. مسئولان قول‌هایی دادند که هرگز عملی نشد. اغلب وعده‌های مسئولان شفاهی بود و

تقریباً تمام جنگل‌نشینان بی‌سواد بودند یا سواد بسیار کمی داشتند و قرارداد واگذاری زمین‌ها بین روستاییان و دولت نیز قابل فسخ نیست، ازین‌رو پس از تخلیه روستاها و واگذاری زمین‌ها به منابع طبیعی، عملاً پیگیری مطالبات به‌جایی نمی‌رسد. گرچه مشارکت‌های سیاسی روستاییان در قالب‌های امروزی (انتخابات شورای اسلامی روستا) آنها را توانمندتر از دوران جنگل‌نشینی کرده است، ولی در نگاه کلی، روستاییان تازه‌کوچ کرده که توانمندی چندانی برای مطالبه حقوق‌شان ندارند، دچار سرخوردگی و بی‌اعتمادی سیاسی شدند و این ضرر به‌راحتی جبران‌شدنی نیست.^۱

• «گفتند برای تان دامداری صنعتی راه می‌اندازیم ... قرار بود به ما زمین اضافی بدهند تا در آن نهال توت و درخت گردو بکاریم، زمین که ندادند... ولی یک روز آمدند و نهال‌های توت را کنار زمین‌های کشاورزی ما گذاشتند و رفتند. ما که جایی برای کاشتن درخت‌ها و نگهداری کرم ابریشم نداشتیم. مردم به امید وعده‌ها از جنگل آمدند... منابع طبیعی ما را فریب داد.» (از ساکنان روستا)

۵. دسترسی به زیرساخت‌های رفاهی- اجتماعی نظیر: آب، برق، گاز، تلفن، پلیس، آموزش و پرورش، خدمات پزشکی، آتش‌نشانی، حمل‌ونقل آسان و سریع به مرکز شهر و مانند اینها از تأثیرات مهم و مثبت طرح است. کوهساری‌ها در جنگل از برق، آب تصفیه‌شده، سیستم حمل زباله، امکان تحصیل بیشتر از مرحله ابتدایی، امکانات حمل‌ونقل مناسب و دسترسی به خدمات شهری محروم بودند، اما در ینتقاق به این امکانات مجهز شدند و با دنیای اطراف ارتباط بیشتری یافتند. احداث سالن ورزشی برای استفاده جوانان و فراغت بیشتر و امکان بالاتر اشتغال برای زنان از دیگر تأثیرات مثبت اجرای طرح جمع‌آوری است. امکان استفاده بهتر و راحت‌تر از مراکز فرهنگی-مذهبی غنی‌تر (کتابخانه‌ها، هیئت‌های مذهبی و مساجد)، دسترسی آسان‌تر به

۱. گرچه روستاییان از نظر سیاسی توانمندتر از دوره جنگل‌نشینی شده‌اند ولی بر مشکلات و گرفتاری‌هایشان (که باید از طرق سیاسی و به‌دست ادارات دولتی برطرف شود)، به‌شدت افزوده شده است.

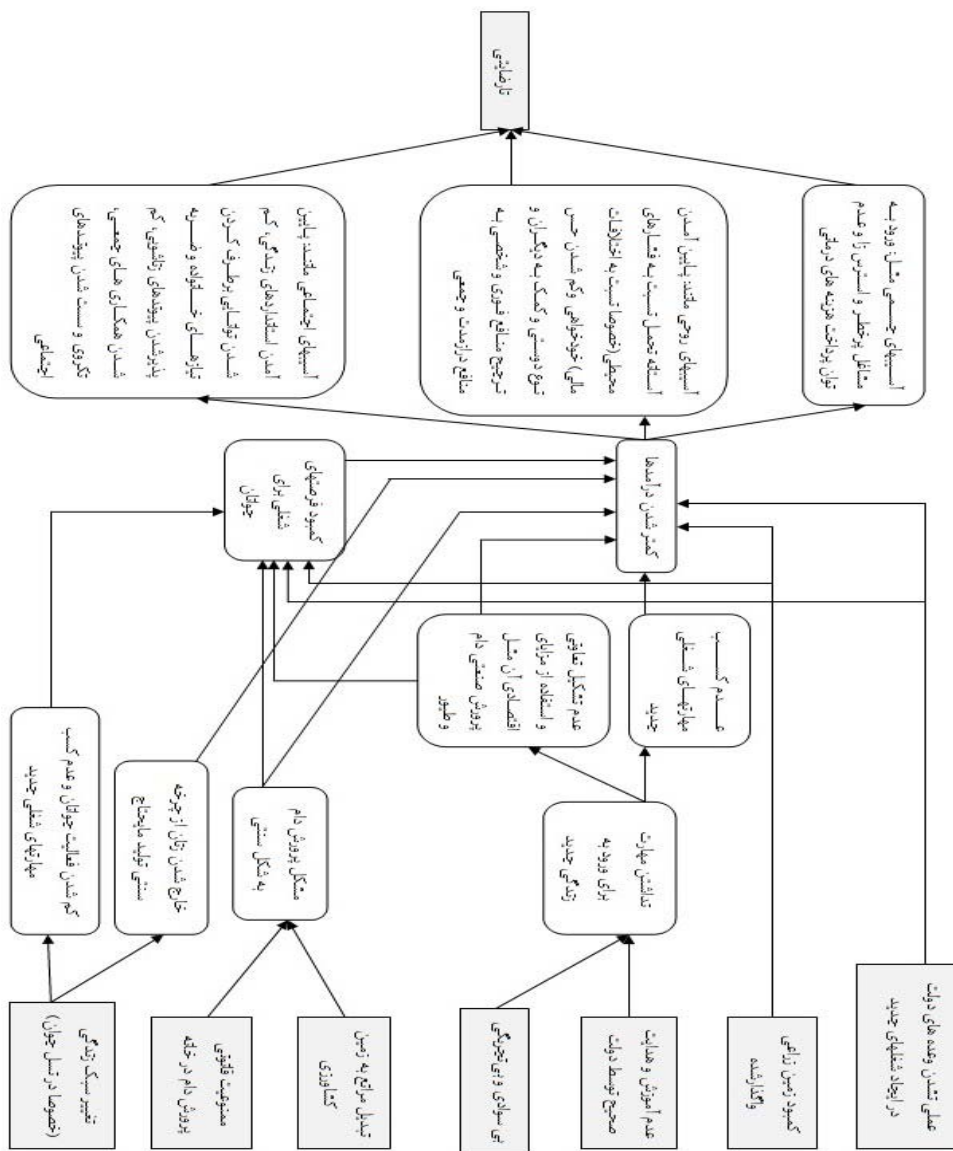
خدمات مذهبی مانند شرکت در نماز جمعه و جماعات و مانند اینها و گرفتن مشاوره‌های مذهبی و پاسخ‌یابی مسائل شرعی و اعتقادی (بیشتر از سوی روحانیونی که در ایام خاص مانند ماه‌های رمضان و محرم به روستاها می‌آیند)^۱ را هم می‌توان از آثار توانمندساز اجرای این طرح برشمرد. اجرای طرح تجمیع ینقاق با فراهم‌آوردن امکان دسترسی بیشتر و آسان‌تر به مراکز درمانی، خدماتی و آموزشی، به نفع اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه بوده است. این کوچ عواقب امنیتی (از جنبه سیاسی) نظیر اعتراضات خشن و شورش به همراه نداشت ولی گاهی مسائل اقتصادی مانند استفاده از آب و زمین و طلبکاری‌ها مناقشاتی را بین جمعیت برانگیخت که به دلیل فراگیربودن این رفتارها در همه‌جا نمی‌توان آن را از آثار اجرای طرح برشمرد.

در انجام مطالعات انا مرحله مهمی به نام «گزینش تأثیرات مهم» وجود دارد که در آن با مشخص کردن چند تأثیر اصلی و مهم اجرای پروژه، بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر مهم‌ترین آنها صورت می‌گیرد. برای اجرای این بخش، تصمیم گرفته شد که پس از دادن اطلاعات تأثیرات مثبت و منفی به متخصصان گوناگون، نظر آنها در مورد گزینش مهم‌ترین تأثیرات بررسی شود. ترکیب متخصصان انتخاب‌شده این‌گونه بود:

۱. متخصصان علوم اجتماعی، ۱۲ نفر (پنج نفر کارشناس ارشد و هفت نفر دکترا. برای متعادل‌تر شدن ترکیب جنسیتی تیم، سه نفر از کارشناسان ارشد، خانم بودند.) و
۲. متخصصان اکولوژی، چهار نفر (یک نفر دکترای محیط‌زیست، دو نفر کارشناس ارشد و یک نفر کارشناس جنگلداری).

در پایان نظرسنجی، مهم‌ترین تأثیرات طرح، مشکلات اقتصادی ناشی از کمترشدن درآمد‌ها، فرصت‌های شغلی کمتر برای نسل دوم، و مهاجرت آنان به شهرها برای اشتغال برشمرده شدند. مرحله دوم مصاحبه‌ها حول محور مسائل و مشکلات اقتصادی از دو گروه مذکور (کشاورزان و مسئولان) انجام گرفت که نتایج آن به اختصار در شکل ۳ آمده است.

۱. یکی از اهالی (از آقایان) توانست با اتمام دروس مقدماتی حوزه علمیه، معمم شود. او که برنامه‌های تبلیغ مذهبی را در روستا کم‌وبیش آغاز کرده است، اگر در روستا بماند می‌تواند زمینه خوبی برای ایجاد خدمات مذهبی فراهم آورد.



شکل ۳. نمودار علی تأثیرات اقتصادی طرح

جدول ۱. کدگذاری محوری و گزینشی

مقوله مرکزی	مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها (حاصل از کدگذاری فرابند)
ترس ناشی از تعلیق	کم‌کاری	مطالبه‌نکردن حق و حقوق بر اثر بی‌تجربگی و بی‌سوادى و ناآشنایی با امور قانونی
		تشکیل‌ندادن تعاونی یا تجمیع‌نکردن سرمایه‌ها برای غلبه بر مشکلات اقتصادی
		امتحان‌نکردن راه‌های نو در تولید و درآمدزایی و برنامه‌ریزی‌نکردن برای آینده
	ترجیح بقای فردی بر منافع جمعی	کم‌شدن کمک‌ها و محبت‌ها
		فردگرایی
	نارضایتی گسترده	احساس کمبود شدید اقتصادی
		کم‌شدن شادی و امید به آینده
	احساس بی‌پناهی و بی‌یاوری	پناه‌بردن به مواد مخدر
		احساس بی‌توجهی دولت به وضع مادی و معنوی کوچ‌کنندگان
		احساس عدم دخالت و مشارکت در تغییرات ایجادشده
		احساس نبود امنیت

در اینجا برای آشکارشدن بیشتر اصطلاح «ترس ناشی از تعلیق و عدم‌ثبات» که مقوله محوری و توضیح‌دهنده وضعیت مطالعه‌شده است، مثالی ذکر می‌شود. فرض کنید تخته‌ای به‌عرض یک متر را بین دو آسمان‌خراش در ارتفاع ۱۰۰متری زمین بگذارند، روی آن قالی بیندازند و شخصی روی آن قرار گیرد. بعد با دراختیار گذاشتن انواع خوراکی‌ها (وعده‌های غذای کامل، انواع آجیل و میوه) و یک دستگاه تلویزیون که اتفاقاً برنامه مورد علاقه شخص را هم پخش می‌کند، از وی بخواهند چند وقتی به این شکل زندگی کند. چه چیزهایی در رفتار و احساسات او شاخص و پررنگ خواهد بود؟ به‌احتمال زیاد، نخست اینکه بسیار کم‌تحرک و

ساکن خواهد شد و این اصطلاح که گفته می‌شود «از ترس دست و پایش فلج شده» در مورد او مصداق می‌یابد. دوم، به کمتر چیزی غیر از زنده ماندن و بقای در لحظه فکر خواهد کرد و فکری به عنوان برنامه‌ریزی برای آینده از سر او نخواهد گذشت. سوم، از خوراکی‌ها و لذات بصری که در اختیارش قرار دارد بهره‌چندانی نخواهد برد و نارضایتی از همه‌چیز در درونش رخنه خواهد کرد. چهارم، احساس ترس و بی‌پناهی وجودش را خواهد گرفت. حال فرض کنیم همان تخته و قالی و امکاناتش را روی چمن سبز یک پارک بگذاریم و از همان فرد بخواهیم چند صبحی روی آن زندگی کند. آنگاه به احتمال بسیار زیاد، عکس تمام آن اعمال و احساسات را در وی خواهیم یافت. آنچه این دو وضعیت را این‌قدر از هم متفاوت می‌سازد همان «ترس ناشی از تعلیق» است.

بازنویسی روایت تحقیق با استفاده از مقوله محوری

در سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۵۰ خانواده جنگل‌نشین که درصد بی‌سوادی بسیار بالایی داشتند در فرایندی غیرمشارکتی از روستاهای شان کوچ کردند و در محل جدیدی با شرایط و امکانات متفاوت اسکان داده شدند. دولت، که پیش از کوچ، آموزش خاصی برای ورود به زندگی جدید به آنها نداده بود پس از کوچ هم عملاً رهای‌شان کرد و سرکشی و نظارت مناسبی بر کار و زندگی آنها نداشت. ورود بی‌مقدمه به محیط جدید کار و برآوری نیازهای اقتصادی و سبک و سیاق کاملاً جدید زندگی، باعث به‌وجود آمدن احساس بیگانگی، عدم‌تعلق به محیط و «ترس ناشی از تعلیق» در کوچ‌کنندگان شد. نخستین پاسخ به چنین شرایطی کم‌کاری و ایستایی بود و کوچ‌کنندگان هیچ اعتراضی به منابع طبیعی و مجریان دیگر بابت وفانکردن به عهد انجام ندادند. آنها با اینکه حمایتی از سمت دولت نمی‌دیدند ولی خودشان هم توان ایجاد اتحاد کاری و یکپارچه‌سازی سرمایه‌ها را در خود نمی‌دیدند. ترس تعلیق دست‌وپای آنان را برای ورود به عرصه‌های جدید اقتصادی (نظیر پرورش کرم ابریشم و زنبورداری) هم بست. کوچ‌کنندگان که شرایط جدید در آنها احساس بی‌پناهی و بی‌یاوری به‌وجود آورده بود، برای غلبه بر استرس‌ها و

ترس‌های‌شان به شکل بی‌سابقه و تعجب‌برانگیزی به مواد مخدر پناه بردند. به تدریج چنان ترس فراگیری بر صفا و صمیمیت گذشته غلبه کرد که دیگر همه به فکر بقای خود بودند و کمک به دیگران و از خودگذشتگی‌ها بسیار کم شد. احساس عدم امنیت و نااطمینانی چنان در محیط بالا بود که فکر بقای امروز، جایی برای برنامه‌ریزی آینده نگذاشت، تا آنجا که هیچ‌یک از کوچ‌کنندگان، قسمتی از زمین‌شان را به کاشت درخت توت و پرورش کرم ابریشم (که به شکل سنتی در آن تبحر داشتند) اختصاص ندادند. وضعیت موجود چیزی نبود که کسی از آن راضی باشد. حتی تنعمات و زرق و برق‌های زندگی جدید هم رضایتمندی برای کوچ‌کنندگان به‌ارمغان نمی‌آورد.

ترس ناشی از تعلیق توضیح‌دهنده طیف وسیعی از رفتارهای نسل اول کوچ‌کنندگان است ولی نمی‌توان به قاطعیت گفت که این ترس اکنون هم به‌عنوان مهم‌ترین مانع گسترش فعالیت‌ها و تغییر رویه‌های زندگی (متناسب با نیازهای کوهساری‌ها) عمل می‌کند. عادت به نوع مشخصی از تفکر و زندگی در نسل اولی‌ها و سخت‌شدن ترک عادت و روی آوردن به نوآوری در سنین بالاتر می‌تواند مهم‌ترین مانع رشد و پیشرفت نسل اولی‌ها باشد. به‌مرور زمان، این ترس در نسل کوچ‌کرده و نسل‌های بعدی کوهساری‌ها که در محیط جدید رشد کردند و اجتماعی شدند کمتر شد، ولی شواهد نشان می‌دهد که اجتماعی‌شدن در محیط خانواده‌ای که مملو از چنان احساسی بود در فرزندان آنان هم بی‌تأثیر نبود. نسل فعلی با وجود بهره‌مندی از تحصیلات، از ریسک‌کردن و ورود به عرصه‌های جدید درآمدزایی واهمه دارد و همچنان راه‌حل سنتی مهاجرت و حاشیه‌نشینی را برای جبران کمبودهایش به‌کار می‌بندد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های مهم پژوهش حاضر در این قسمت جمع‌بندی و ارائه می‌شوند.

- طرح تجمیع ینقاق از نظر فراهم آوردن حداقل‌های سخت‌افزاری خدمات اجتماعی موفق بوده است. طرح مذکور از نظر ایجاد درآمد و شغل برای خانواده‌های کوچ‌کرده نیز نسبتاً موفق ارزیابی می‌شود.
- مراحل انجام کوچ اشکالات متعددی داشته است، از جمله نبود مدیریت مشارکتی، وفانکردن به تعهدات، فقدان آموزش و آماده‌نکردن افراد برای ورود به سبک جدید زندگی و رهاکردن افراد کوچ‌کرده در محیط جدید و سرکشی نکردن و مراقبت نکردن از آنان در برابر مسائل و مشکلات جدید. نتیجه این امر، ایجاد نوعی ترس ناشی از تعلیق در فضای جدید بوده که باعث کم‌کاری، ترجیح بقای فردی و افزایش نارضایتی میان کوهساری‌ها شده است.
- در طرح‌ریزی صورت‌گرفته برای کوچ، هیچ فکری برای اشتغال نسل دوم کوچ‌کنندگان نشده و همین مسئله در روحیه نسل اولی‌ها به شدت تأثیر منفی داشته است.
- ناهماهنگی بین اجزای مختلف ادارات دولتی و نبود طرحی جامع برای مشخص کردن مسئولیت‌های هرکدام از آنها کاملاً مشهود است.

پیشنهادهایی برای بهبود روندهای اجرایی در پروژه‌های مشابه

۱. آموزش پیش از کوچ به روستاییان در مورد مخاطرات و فرصت‌های سبک زندگی جدید و بیان صادقانه مشکلات پیش روی آنان.
۲. مدیریت مشارکتی کوچ، باعث احساس تسلط کوچ‌کنندگان بر سرنوشت‌شان خواهد شد و آمادگی روحی-روانی اجتماع تحت تأثیر پروژه را تا حد زیادی بالا می‌برد.
۳. پرهیز جدی از خروج روستاییان از جنگل به‌ازای پرداخت پول به‌جای زمین. چنین طرح‌هایی تعلیق روحی و روانی کوچ‌کنندگان را به‌سبب ناآشنایی با راه و رسم درآمدزایی با چنان پولی و ورود مستقیم و کامل و بدون مقدمه به زندگی شهری چندبرابر خواهد کرد و آسیب‌های ناشی از آن را نیز تشدید می‌کند.

۴. دسترسی آسان و دائم به مشاوره‌های روان‌شناسی و مذهبی می‌تواند احساس ضعف و دستپاچگی ناشی از تجربه‌های نو را کاهش دهد.
۵. حضور مهربانانه و حمایت‌گرانه نیروهای انتظامی به شکل ایجاد پست‌های دائمی (حتی داخل کانکس و کانتینر) یا دست‌کم گشت‌های شبانه‌روزی در چنین محل‌هایی باعث افزایش احساس امنیت و پایین‌آمدن دلهره تازه‌واردان خواهد شد.
۶. تشکیل تعاونی و تجمیع سرمایه‌های خرد نوعی دلگرمی و حس باجمع‌بودن را برای رسیدن به هدفی مطلوب در کوچ‌کنندگان به‌وجود می‌آورد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات می‌تواند یکپارچه‌کردن زمین‌های واگذاری به روستاییان و تغییر الگوی کشت و آبیاری با استفاده از فناوری‌های جدید باشد. چنین اقدامی، دو هدف را هم‌زمان دنبال می‌کند. نخست بالاتر رفتن روحیه مشارکت جمعی و غلبه بر استرس محیطی به‌وسیله کار گروهی، دوم پایین‌تر آمدن هزینه‌های تولید و افزایش برداشت محصول و در نتیجه افزایش درآمد اقتصادی. این امور از وظایف دولت قلمداد می‌شوند و نمی‌توان از تازه‌واردان به عرصه جدید چنین توقعاتی داشت.
۷. دولت می‌تواند با برداشتن گام‌های عملی در تولید فرآورده‌های جدید (که کوچ‌کنندگان مهارتی در آن ندارند) و واگذاری واحدهای تولیدی - پس از کسب تجربه کافی - به کوچ‌کنندگان و کمک به فروش محصولات آن، ترس مردم را از خطرکردن در عرصه‌های جدید تولیدی از بین ببرد.
۸. به‌وجودآوردن امکان انجام پروژه‌های جمعی در قالب‌های مختلف اقتصادی (که اشاره شد) و فرهنگی - اجتماعی (نظیر احداث کتابخانه و مسجد و اجرای مراسم مختلف در آن) و استفاده از مشارکت حداکثری افراد در آن، نوعی وحدت و صمیمیت به‌وجود می‌آورد که در سایه آن محبت‌ها بیشتر و روند فردگرایی کندتر خواهد شد.
۹. انسان‌های بی‌پناه و مضطرب، جامعه هدف بسیار مطلوبی برای توزیع‌کنندگان مواد مخدر هستند. در کنار توانمندسازی شخصیتی و اجتماعی، آموزش‌های ویژه در برخورد با این معضل لازم به‌نظر می‌رسند.

- برای عملی‌ساختن پیشنهادهای مطرح‌شده، نیاز است که اصلاحاتی در سطح نهادهای مجری طرح به‌وجود آید. مهم‌ترین این اصلاحات عبارت‌اند از:
- لزوم ایجاد کارگروه مستقل و دبیرخانه مشخص برای هماهنگ‌سازی دستگاه‌های دخیل در اجرای پروژه (منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، نیروی انتظامی، بنیاد مسکن، امور آب، شهرداری و مانند اینها)^۱
 - تدوین طرحی جامع (مطابق با منابع بانک جهانی) برای مشخص‌شدن مسئولیت هر یک از ارگان‌های دخیل و دست‌اندرکار؛ و
 - پایش و نظارت مستمر بر روند زندگی و کمک به حل مشکلات نوبه‌نو، تا رسیدن به توانمندی پذیرفته‌شده در اجتماع.

منابع

- آقایی، س.د.، ۱۳۸۲، راهبردهای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص. ۱۷.
- استراوس، ا.، و کوربین، ج.، ۱۳۹۰، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ا. افشار، نشر نی، تهران.
- افتخاری، ع.ر.، و بدری، س.ع.، ۱۳۸۲، ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار؛ مورد روستاهای بالکلور و جمال‌آباد از شهرستان طارم علیا، مجله مدرس علوم انسانی، صص. ۶۰-۲۳.

۱. در یکی از این ناهماهنگی‌ها مشاهده شد که شهردار یکی از شهرهای استان گلستان که طرح خروج دام را اجرا کرده بود، با بیان اینکه زمین‌های در نظر گرفته‌شده به‌عنوان مرتع برای چرای دام‌های کوچ‌کنندگان، جزو حریم شهری محسوب می‌شوند و کسی اجازه وارد کردن دام را به آنها ندارد مدعی است پیش از جاده‌کشی و احداث زیربناهایی نظیر آبرسانی کسی از شهرداری در مورد کاربری این زمین‌ها استعلامی نگرفته است!

برج، رج، ۱۳۸۹، راهنمای عملی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ترجمه م.ع. رضانی، و م. قلیچ، جامعه‌شناسان، تهران.

پورمحمدی، م.، و جهان‌بین، ر.، ۱۳۸۸، ادامه حیات اسکان غیررسمی و رویکرد توانمندسازی به‌مثابه نوین‌ترین راهبرد مقابله با آن (مطالعه موردی: شهر تبریز)، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، صص. ۳۸-۳۹.

حیدری، ق.، خلیلیان، ص.، و ارزانی، ح.، ۱۳۸۲، بررسی و تحلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی طرح ساماندهی خروج دام و تجمیع جنگل‌نشینان در جنگل‌های شمال کشور (مطالعه موردی: منطقه لغور سوادکوه)، پژوهشنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خزر، ص. ۳۱.

روچ، ک.، ۱۳۸۷، ارزیابی تأثیر پروژه، ترجمه ح. چاوشیان، اختران، تهران.

شادی‌طلب، ژ.، ۱۳۸۱، توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران.

شهسواری، م. و اسماعیلی قلزم، ح.، ۱۳۸۸، کتاب راهنمای اسکان مجدد در طرح‌های توسعه، بانک توسعه اسلامی.

عظیمی، ن.، و امیری لمر، م.، ۱۳۸۷، ارزیابی اثرات اجرایی طرح ساماندهی خروج دام از جنگل بر جنگل‌نشینان در استان گیلان (مطالعه موردی بخش مرکزی رضوانشهر)، پژوهش‌های جغرافیایی، ۱۵۷.

ونکلی، ف.، و بکر، ه.، ۱۳۸۸، راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی، ترجمه ه. جلیلی، جامعه‌شناسان، تهران.

Alsop, R., Bertelsen, M. & Holland, J., 2006, **Empowerment in Practice from Analysis to Implementation**, Washington DC: The International Bank for Reconstruction and Development/THE WORLD BANK.

Anderson, R., English, R. & Brusberg, E., 2002, **Handbook for Preparing a Resettlement Action Plan**, Washington, DC: The International Finance Corporation (IFC).

E.N.N., 2009, **Environmental Management, Sustainable Development and Human Health**, London: CRC Press/Balkema.

Oruonye, E., 2011, **The Socio-Economic Impact of the Lake Chad Resettlement Scheme, Nigeria**, African Journal of Environmental Science and Technology, PP. 238-245.

Saunders, V., 2010, **Empowerment Research Program (ERP)**, Australia: Collaborative **Research on Empowerment & Wellbeing (C.R.E.W)**, North Queensland Health Equalities Promotion Unit.

Trepp, E., 2010, **Chandoli National Park and Resettlement: Impacts on Local Communities in Maharashtra, India**.

Woube, M., 2005, **Effects of Resettlement Schemes on the Biophysical and Human Environments: The Case of the Gambela Region, Ethiopia**, Florida: Universal Publishers Boca Raton.